

## تاکتیک‌های ما و تاکتیک‌های آنها

به رئیس جمهوری نیاز دارند که نه آن چنان رای آورد که تفوق روانی پیدا کند و نه آن چنان بی‌رای باشد که خطری موجودیت نظام را تهدید نماید. آنها به یک خاتمی بی پر و بال نیاز دارند که با سخنانش مردم را دلداری دهد و با اعمالش در حفظ نظام کنونی بکوشد. خاتمی که در چهار سال پیش بعنوان نخودی با حرفهای تازه و مقبول مردم به میدان آمده بود و نتوانست از این نیروی عظیم در جهت تحقق خواستههای مردم استفاده کند، چگونه میخواهد با نامزد کردن مجدد خود آن هم در شرایطی که با زبان خودش به فقدان قدرت و بی‌عرضگی خویش اعتراف کرده است ادامه در صفحه ۲

سخنرانی زیر که بنظر خوانندگان گرامی توفان میرسد در تاریخ ۱۹ ماه مه ۲۰۰۱ از طرف "حزب کار ایران" (توفان) به سمینار مشترک شهر ماینس ارائه گردید که به مناسبت انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری ایران با موضوع زیر "اوضاع سیاسی - اجتماعی و "انتخابات" ریاست جمهوری" و با شرکت سازمانهای سیاسی اپوزیسیون برگزار گردید. خاتمی آخرین تک خال رژیم جمهوری اسلامی است تا بتواند خود را چند صباح دیگری بر سر پا نگهدارد. این را سایر جناحهای حاکمیت نیز درک کرده‌اند. آنها

پرتوهای جهان متحد شوید  
Iranian Revolution in Transition

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال دوم  
شماره ۱۶ - تیر ۱۳۸۰ - ژوئیه ۲۰۰۱

## انتخاب خاتمی و ارزیابی ما

رقبای دست چنم بودند غلبه کنند، این ارزیابی ما درستی خود را نشان داد. ما بر آن بودیم که گرایش عمومی مردم به سمتی است که از این اصلاح طلبان روی برگرداند و نسبت به آنها بدبین شوند. تجربه و آمار منتشره نشان داد که ما در این ارزیابی خود به خطا نرفته‌ایم. ادامه در صفحه ۳

برای پرتو افکنی بر نظریات و تحلیلهای حزب کار از شش جدول کمک میگیریم. سه جدول نخست مربوط به مقایسه میان انتخابات دوره‌های گذشته در جمهوری اسلامی است و جداول شماره ۴ تا ۶ قیاس آنها با انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری است. ما در ارزیابی خود در قبال از انتخابات بر آن بودیم که: خاتمی این بار نیز موفق می‌گردد بر رقبای خود که

امروز که این تحلیل را ارائه میدهم مطابق آخرین اخبار و آماری است که حزب ما تا زمان نگارش این مقاله به دست آورده است. رژیم جمهوری اسلامی بر اساس مصالح سیاسی خویش آمارهای مختلفی قبل و بعد از انتخابات منتشر کرده است که نادقیقی آن کاملاً مشهود است. ما ناچاریم با رعایت قید احتیاط با تقریب معینی از همین آمار استفاده کنیم.

## تاکتیک در مبارزه امری تشریفاتی نیست

و گوش مردم را باز می‌کند و می‌فهمند که تاریخ مصرف آقای خاتمی پایان رسیده است. این را باید گفت و تبلیغ کرد تا در شرایطی که سیر حوادث صحت نظریات ما را در چهار سال آینده روشن میسازد مردمی که قبلاً با این برخورد آشنا شده بودند به شما اعتماد کرده، برای نظریات شما احترام قائل شده، با دقت بیشتری به آن گوش فرا دهند و اعتمادشان به نظریات درست شما بیشتر جلب شود. آنها باید در نزد خود جای معینی برای پذیرش نظریات شما باز کنند. مبارزه روزمره اجتماعی مملو از این تاکتیکهاست. بدون تاکتیک همه‌اش تیک تاک و در جا زدن است. شما اگر هوادار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستید و مردم نیستند و به این مرحله از رشد فکر نرسیده‌اند و شما می‌دانید که مردم هنوز به آن درجه از آگاهی پیشروانشان نرسیده‌اند و طیفه شماست که بعنوان عنصر آگاه راه‌هایی بیابید که از طریق آن بتوانید ماهیت این رژیم و لزوم سرنگونی آنرا برای مردم روشن کرده و آنرا به آنها تفهیم نمایید. فقط با طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تکرار مرتب آن بدون توجه به مبارزه روزمره و اتخاذ راه و روشهای درست، این قهرمانان با کره ما در دریای کلیات تا ابدالدهر شنا ادامه در صفحه ۸

در جریان مجادلات سیاسی و بحثهای رفیقانه‌ای که بر سر تحریم انتخابات ریاست جمهوری در گرفت، نظریاتی ابراز شد که صرفاً نظریات نادرستی نبود، نظریات نادرست را میتوان در عمل محک زد، درجه و عمق شناخت را افزایش داد و به رفع نادرستی‌ها و کمبودها و خطاها پرداخت. در کنار این نظریات بیاناتی نیز شد که ناشی از یک اشتباه اساسی تئوریک است و نباید در میان مارکسیست‌لنینیستها جا باز کند. بر سر تحریم و یا شرکت در انتخاب خاتمی میتوان نظریات گوناگون داشت. برخی به نادرستی، لزوم شرکت در انتخاب خاتمی را تشویق می‌کنند و برخی بدرستی انتخاب وی را رد کرده تاکتیک درست را در تحریم این انتخابات می‌دانند. هدف از اتخاذ این تاکتیکها این است که در عرصه مبارزه، مردم را قدم به قدم به سمت و سویی راهنما گردیم که در انتهای راهش در این مرحله به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت همان مردم منجر شود. مردم که همواره طرف خطاب ما هستند باید آموزش بگیرند که تاکتیک تحریم دست تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را در حنا گذارده و مواضع داخلی و خارجی را تضعیف کرده، تضاد میان حاکمیت را تشدید نموده و به تخیلات و توهما فراوانی پایان می‌دهد. تاکتیک تحریم چشم

گزارشات مربوط به فعالیت‌های حزب در رابطه با نمایش انتخابات ۱۸ خرداد در صفحات داخل نشریه

## کودتای نبال پاسخی به جنگ خلق

خبرگزاریهای جهان اعلام کردند که در جمعه شب مطابق ۸ ژوئن ولیعهد کشور نبال با کشیدن اسلحه بر روی خانواده‌اش آنها را به قتل رسانده، سپس خود را هدف گلوله قرار داده و بشدت مجروح گشته و اکنون در حال اغما در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ارتش بستری شده است. نخستین اطلاعیه دولت حاکی از آن بود که این کشتار از عشق به دختری ناشی نشده است که مورد توجه مادر و پدر داماد نبوده و آنها با ازدواج پسرشان با این "فتنه" مخالفت کرده‌اند و این آقا زاده که نمیتوانسته دعوی عروس و مادر شوهر را تحمل کند از غیض ناکامی در کامروائی از این زیبای فتنه‌انگیز لگام اختیار از کف بداده و والدین خود را با قصد انتقام هدف گلوله قرار داده است. سناریو ظاهراً طوری تدوین شده بود که آقای ادامه در صفحه ۶

## سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

## تاکتیک‌های ما...

و بر اصل ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن صحنه گذارده است، بدون آن پشتوانه قدرتمند مردم به ادعاهایش جامعه عمل بیوشد؟ این دوگرفتنهای جدید ضامن اجرائی ندارد.

در این نامزدی تناقض آشکاری به چشم میخورد و از همان روز نخست آشکار است که به جانی نمی‌رسد. خود شخص خاتمی اصلاح طلبان پیگیرتر را در لفافه کلام "برانداز" مینامد و خط خود را از آنها جدا می‌گرداند و در نزاعی که در گرفته به سوی خامنه‌ای لغزیده است، حال آن که بخشی از این اصلاح طلبان خواهان لغو نظارت استصوابی، آزادی همه زندانیان سیاسی و مطبوعاتی، نظارت بین المللی و حتی انحلال مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند.

این همان تجزیه در بالا و فشار از پائین است. این همان بن‌بستی است که رژیم جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان با آن روبرو هستند. یا باید پایان روند اصلاحات به برچیدن رژیم منجر شود و یا فرجام آن به سازش با رژیم خواهد رسید. برچیدن رژیم ولی به معنای تکیه بر مردم و تربیت و سازماندهی آنها در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی است و این کار از جانب جناح اصلاح طلب حاکمیت مقدور نیست. حتی محافظه کاران نیز در تاکتیک خود به این نتیجه رسیده‌اند که خاتمی پر و بال شکسته را در مسند ریاست جمهوری ببینند. آنها بدیل دیگری جز خاتمی ندارند. آنها یقین دارند که نسبت آراء خاتمی این بار از دفعه گذشته به مراتب کمتر است ولی بهر صورت انتخاب میشود. ولی این خاتمی آن خاتمی نیست که با فشار مردم به جلو پرتاب شده بود، این خاتمی با سازش با خامنه‌ای بر صندلی ریاست می‌نشیند و معترف است که کاری از دستش ساخته نیست. و بهمین دلیل نیز هست که حجاریان معتقد است "هیات حل اختلافی" که میتواند مجلس باشد- تشکیل شود و از همین نقطه، سیاستمداران با نفوذ هر دو طرف "کمی پائین بیایند" تا منازعات کاهش یابد. رفسنجانی هم بر این نظر بود که باید "فتیله‌ها را پائین کشید".

تاکتیک اصلاح طلبان این است که برای حفظ نظام خاتمی بر سر کار آید و مشروعیت خود را از رای بالای مردم بگیرد. آنها بهمین جهت برای جلب مردم به شرکت در انتخابات مسئله رفراندم را طرح کرده‌اند و مدعی‌اند که شرکت مردم در انتخابات این دوره رفراندم در باره اصلاحات است. آنها میخواهند مردم را با این ترفندها به میدان آورند که آنها از ظن خودشان یار اصلاح طلبان گردند. پرسش این است که اگر مردم در انتخابات بطور میلیونی شرکت کرده و تعداد ۳۵ میلیون به خاتمی رای دادند وضع به چه صورت در خواهد آمد؟ خامنه‌ای خلع ید میشود؟ مجمع تشخیص

مصلحت رژیم منحل میشود و یا اینکه جلسه فوق العاده می‌گذارد تا حکومت نظامی رسمی اعلام کند؟ آتوقت موضع اصلاح طلبان چیست و به کدام سمت میروند؟

تاکتیک اصلاح طلبان برهبری خاتمی و حجاریان بر این است که مردم را به شرکت وسیعتر در انتخابات دعوت کنند.

آقای عبدی یکی از رهبران اصلاح طلب برای بازار گرمی انتخابات می‌گوید: "انتخابات ۸۰" انتخاب یک فرد نیست. بلکه رفتارندمی است برای انتخاب یک برنامه و ایده سیاسی-فرهنگی در عرصه مدیریت کشور. اصلاح طلبان در یک کارزار مطبوعاتی بیان میکنند که نتایج رای گیری انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری فراتر از یک رقابت سیاسی، یک همه پرسی ملی و نمادی از جنبشی اجتماعی است. جنبشی که پس از چهار سال پرداختن هزینه‌های ریز و درشت، میاید تا تصمیم نهایی خویش را اعلام کند. کدام تصمیم نهایی؟ این پرسشی است که اصلاح طلبان از زیرش در میروند و آترا برای فریب مردم باز میگذارند. سعید حجاریان تئورسین جناح اصلاح طلبان که میخواهد اصلاحات در اصلاحات کند در این اواخر مدعی شده است که باید "حاکمیت را از شکل دوگانه غیر کارکردی به دوگانه کارکردی تغییر دهیم". بروشنی مفهوم است که هدف حفظ نظام کنونی و نه تغییر آن است. آعاجری که تاکنون مواضع رادیکالتری نسبت به سایر اصلاح طلبان داشت برای داغ کردن تنور انتخابات و تشویق مردم به شرکت در انتخابات مدعی است: "پیروزی آقای خاتمی از بوته انتخابات این دوره تاکید مجدد بر جمهوری اسلامی است چرا که مردم جمهوریت و جمهور را پذیرفته‌اند".

البته تاکتیک محافظه کاران نیز ماهیتاً نظیر تاکتیک اصلاح طلبان است با این تفاوت که آنها شرکت وسیع مردم در انتخابات را با تضعیف خاتمی پذیرا هستند. هم حفظ نظام و هم حفظ قدرت محافظه کاران و کوتاه شدن زبان اصلاح طلبان.

در این تبلیغات محافظه کاران نیز همصدای اصلاح طلبان هستند و نگرانند که مبادا مردم در انتخابات شرکت نکنند. احمد جنتی یکی از چهره‌های پرنفوذ محافظه کاران که تا دیروز به خاتمی فحاشی میکرد و مردم را از رای دادن به وی منع می‌نمود با توجه به گرایش بی‌علاقگی مردم نسبت به انتخابات این دوره می‌گوید: "اگر در انتخابات شرکت نکنید، باعث سرشکستگی همه است" و سپس ادامه میدهد: "هر مسلمانی، هر انسانی، حتی ملی باید در انتخابات شرکت کند". محافظه کاران که در انتخابات دوره ششم مجلس مخالف شرکت مردم در انتخابات بوده و رای آنها را بی‌فایده ارزیابی می‌کردند بیکباره هوادار

شرکت وسیع مردم در انتخابات شده‌اند. دلیل این تاکتیک حاکمیت را باید در این جست که مردم از خاتمی و جناح هوادار وی روی برمی‌تابند و در فکر راه حلهای اساسی دیگری هستند. جامعه ایران راه توسل به قهر انقلابی را مجدداً آزمایش خواهد کرد و این، راه سرنگونی رژیم ننگین جمهوری اسلامی است. اگر در دوره گذشته هجوم مردم برای انتخاب خاتمی که مورد طعن و لعن محافظه کاران و سردمداران رژیم ولایت فقیه بود و با نقش نخودی که به وی واگذار کرده بودند به معنی تودهنی باین رژیم محسوب میشد و از نظر تبلیغاتی پیروزی در عرصه جنگ روانی بود، در این دوره عدم شرکت مردم در انتخاب خاتمی تودهنی به رژیم و پیروزی در جنگ روانی و تشدید اختلافات درون حاکمیت است. عدم شرکت مردم و تقلیل رای خاتمی حاکی از آن خواهد بود که فضای کشور به سوی یک تعیین تکلیف نهایی سیر میکند که جنازه جمهوری اسلامی را بر تابوت بیست و دو ساله حکومتش به قبرستان بهشت زهرا می‌برد. تاکتیک ما در این نزاع تکیه به مردم، الهام گرفتن از نیروی آنها و بویژه طبقه کارگر ایران است. باید به ایجاد فضای مناسب فعالیت در ایران دست زد و ایسن تنها از تراه تعمیق شعارها و خواستههای دموکراتیک مقدور است که دست اصلاح طلبان را در عدم اجرای آنها رو خواهد کرد. محافظه کاران که اساساً مخالف هر تغییری هستند. بیکار در این عرصه و افشاء دموکراسی دم بریده بورژوازی در قدرت برای هدایت مبارزه مردم به سمت درست اهمیت دارد. فضای ایران در حال تحول است، تظاهرات ده هزار نفره کارگران در روز اول ماه مه در تهران و سایر شهرهای ایران، فاصله گرفتن آنها از سندیکاهای رژیم ساخته، اشتیاق مردم به فضای باز سیاسی برگشت ناپذیر است. بر کمونیستهاست که با نشان دادن چهره سرمایه‌داری رژیم جمهوری اسلامی به مردم بگویند که بدیل رهائی ایران جمهوری شورائی فدراتیو سوسیالیستی در ایران است. باید جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را نیز از هم اکنون تبلیغ کرد.

حزب کار ایران با توجه به تحلیلی که از شرایط کنونی دارد تحریم انتخابات را تاکتیک درستی ارزیابی می‌کند و شرکت در آن را فریب مردم و تلاشی برای بقاء چهار سال آتی این نظام میدانند تا فرصتی کسب کنند و خوبیشان را از بحران کنونی برهاند. رژیم جمهوری اسلامی در پی کسب زمان است. این زمان را باید از وی گرفت. منظره‌ای که در آن مردم در انتخابات شرکت نکنند و نشانه مرگ بر چهره رژیم بنشینند بسیار دل انگیز است و به مردم نیرو می‌دهد. روان اجتماعی در ایران در این جهت گرایش دارد و جنبش رو به اعتلاء می‌رود. - حزب کار ایران (توفان) ۱۹/۵/۲۰۰۱.

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

## انتخاب خاتمی...

ما بر این بودیم که رای خاتمی نسبت به دفعه قبل کمتر است، این ارزیابی ما نیز با توجه به ۱۷٪ رشد عددی واجدین شرایط انتخاباتی از ۲۷/۲۷۱ هزار نفر به ۴۲/۶۰۰ هزار نفر (به جدول شماره ۵ مراجعه کنید) درست از کار در آمد.

ما بر آن بودیم که همه جناحهای رژیم بر آنند که مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کنند، سراسر تبلیغات مشترک دو جناح و بمیدان آمدن شخص خامنه‌ای و ائمه جمعه و رهبران جناح محافظه کار برای کشیدن بیشتر مردم به شرکت در انتخابات شاهدی بر این مدعا بودند.

ما بر آن بودیم که رژیم قصد دارد پر و بال خاتمی را بشکند، بطوریکه وی انتخاب شود ولی موفقیت قبلی خود را بدست نیارد. این ارزیابی رژیم با برخاستن موج تحریم اپوزیسیون و بازتاب گسترده آن در بین مردم تغییر کرد، بطوریکه ناچار شدند خاتمی در قدرت با هر چقدر رای را، به علاقه خود مبنی بر آوردن تعداد آرائی زیر بیست میلیون در انتخابات برای خاتمی ترجیح دهد. حال به اثبات ادعاهای خود بپردازیم.

این بار رژیم جمهوری اسلامی حد نصاب سن رای دهندگان را ۱۵ سال اعلام کرد. باین ترتیب ۷ میلیون نفر به تعداد واجدین شرایط نسبت به انتخابات مجلس شورای اسلامی افزوده شدند.

در انتخابات گذشته برای آنکه اصلاح طلبان رای کمتری بیاورند حد نصاب سن را ۱۶ سال اعلام کرده بودند که بدست مورد اعتراض اصلاح طلبان قرار داشت. آنها استدلال می‌کردند که چگونه ممکن است دختری حق انتخاب شوهر را در ۹ سالگی کسب کرده و بالغ تلقی شود ولی استحقاق انتخاب نماینده مجلس برای خود را در سن پانزده سالگی نداشته باشد. با این اقدام

## حاکمیت تعداد واجدین اخذ رای را

به ۴۲/۶ میلیون نفر رسانید و حد نصاب سن را مجدداً به ۱۵ سال تقلیل داد. معلوم شد تعیین حد نصاب سن بازیچه سیاسی در دست مثنی زورگو و قلدرمنش است که با شل و سفت کردن آن اغراض خویش را به کرسی می‌نشانند. آنجا که میل داشتند مردم در انتخابات شرکت نکنند و تعداد شرکت کنندگان کم باشد، یعنی در انتخابات مجلس شورای اسلامی حد نصاب سن را ۱۶ سال اعلام کردند و حال که هوادار شرکت وسیع مردم در انتخابات شده‌اند و از نتایج تحریم می‌ترسند به حد نصاب ۱۵ سال رضایت داده‌اند.

بر اساس آمار متناقض منتشره حدود ۲۸ میلیون نفر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند. یک تفریق ساده نشان می‌دهد که ۱۴/۶۰۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکرده‌اند و آنرا تحریم نموده‌اند.

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که نسبت افراد شرکت کننده در دوره هشتم با رقم ۲۷/۶۰۰ میلیون نفر به دوره هفتم با رقم ۲۹/۰۷۶ میلیون نفر از کاهشی حدود ۵٪ برخوردار است. همین جدول نشان می‌دهد که نسبت افراد شرکت کننده در انتخابات به افراد واجد شرایط از ۸۰/۱۶٪ به ۶۴/۷٪ تنزل کرده است.

از نظر سیاسی این امر باین مفهوم است که گرایش مردم به سمت طرد کامل رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی در تمامیت خود و روی آوردن آنها به اشکال دیگری از مبارزه است. مردم تجربه کرده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی به اصلاحات دم بریده نیز تن در نمیدهد.

جدول شماره شش نشان می‌دهد که قدر مطلق آراء آقای خاتمی افزایش یافته و از ۲۰/۰۷۸ میلیون به ۲۱/۶۰۰ میلیون یعنی افزایش مطلق حدود ۱/۵۲۲ میلیون رای رسیده است که این افزایش مطلق

## جدول شماره ۱

ردیف	سال	موضوع انتخابات	حداقل سن رأی	کل جمعیت (هزارنفر) (برآورد)	افراد واجد شرایط دادن (هزارنفر) (برآورد)	نسبت افراد واجد شرایط به کل جمعیت (درصد)
۱	۱۳۵۸	قانون اساسی	۱۶	۳۷۸۱۴	۲۰۸۹۶	۵۵
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۱۶	۳۷۸۱۴	۲۰۸۹۶	۵۵
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۱۵	۴۰۸۲۵	۲۲۵۵۷	۵۵
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۱۵	۴۰۸۲۵	۲۲۵۵۷	۵۵
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۱۵	۴۷۵۸۶	۲۶۴۲۸	۵۵
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۱۵	۵۳۱۸۶	۲۹۳۸۱	۵۵
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۱۵	۵۶۴۵۰	۳۳۰۶۹	۵۵
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۱۵	۵۹۹۷۲	۳۶۲۷۱	۶۰

## جدول شماره ۲

ردیف	سال	موضوع انتخابات	تعداد افراد واجد شرایط (هزارنفر)	تعداد افراد شرکت کننده (هزارنفر)	نسبت افراد شرکت کننده به افراد واجد شرایط (درصد)
۱	۱۳۵۸	قانون اساسی	۲۰۸۹۶	۱۵۷۵۸	۷۵/۲۱
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۲۰۸۹۶	۱۴۱۴۶	۶۷/۶۹
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۲۲۵۵۷	۱۴۷۲۲	۶۵/۲۶
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۲۲۵۵۷	۱۶۸۴۷	۷۴/۶۸
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۲۶۴۲۸	۱۴۲۴۴	۵۳/۸۹
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۲۹۳۸۱	۱۶۴۳۹	۵۵/۹۵
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۳۳۰۶۹	۱۶۷۸۹	۵۰/۷۶
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۳۶۲۷۱	۲۹۰۷۶	۸۰/۱۶

مشارکت مردم که تا به امروز رو بکاهش بود (به جدول شماره ۳ مراجعه کنید - توفان) بیکباره از ۱۳/۷٪ به ۲۷/۳٪ افزایش یافته است.

در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۲ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند ولی این رقم در حال حاضر به ۱۵ میلیون نفر ادامه در صفحه ۴

آراء بسا توجه به افزایش جمعیت و ۷ میلیون واجدین جدید شرایط انتخاباتی (۱۷٪) از تقلیل نسبی آراء آقای خاتمی حکایت می‌کند. مقایسه دو رقم ۵۵/۳۵٪ و ۵۰/۳۵٪ در جدول شماره ۶ که نسبت این آراء از دوره هفتم را به ۵۰/۷٪ نشان می‌دهد نزولی حدود ۴/۶۵٪ را در بر می‌گیرد. در همین جدول متوجه میشویم که شاخص عدم

مزدوران رژیم، چه درون آخوران و چه برون آخوران را از خود برانید!

## انتخاب خاتمی...

رسیده است.

## جدول شماره ۳

ردیف	سال	موضوع انتخابات	آراء نفر اول (هزار نفر)	نام نفر اول	نسبت آراء نفر اول به افراد شرکت کننده	نسبت آراء به نفر اول به مشارکت	شاخص عدم
۱	۱۳۵۸	رفتارندوم قانون اساسی	۱۵,۶۸۰	-	۹۹/۵	۷۵/۰۳	۲۴/۲۷
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۱۰,۷۰۹	آقای بنی صدر	۷۵/۷	۵۱/۲۵	۲۴/۴۵
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۱۲,۹۰۰	آقای رجایی	۸۷/۶۲	۵۷/۱۹	۳۰/۴۳
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۱۶,۰۰۸	آقای خامنه‌ای	۹۵/۱۹	۷۰/۹۶	۲۴/۲۳
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۱۲,۲۰۳	آقای خامنه‌ای	۸۵/۶۷	۴۶/۱۷	۳۹/۵
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۱۵,۵۳۷	آقای هاشمی	۹۲/۵۱	۵۲/۸۸	۴۱/۶۳
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۱۰,۵۵۵	آقای هاشمی	۶۲/۸۶	۳۱/۹۲	۳۰/۹۴
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۲۰,۰۷۸	آقای خاتمی	۶۹/۰۵	۵۵/۳۵	۱۳/۷

## جدول شماره ۴

سال	موضوع	حداقل سن	کل جمعیت کشور به هزار نفر	افراد واجد شرایط دادن رای به هزار نفر	نسبت افراد واجد شرایط به کل جمعیت به در صد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۱۵	۵۹/۹۷۲	۳۶/۲۷۱	۶۰
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۱۵	۶۲/۰۰۰	۴۲/۶۰۰	۶۸

خاتمی ۷۸٪ آراء را بخود اختصاص داد (جدول شماره ۶) و مجموع آراء نه نفر دیگر نامزدها همراه با آراء باطله ۶ میلیون رای بوده که نسبت به افراد واجد شرایط تنها ۱۴٪ و نسبت به شرکت کنندگان در انتخابات ۲۱/۷۴٪ می‌باشد. خاتمی حدود ۲۸٪ رای بیشتر از مجموعه آراء سایر نامزدها و آراء باطله آورده است. تفاوت آراء خاتمی از علی فلاحیان با رای ۵۵ هزار نفر، آرائی حدود ۲۱/۵۴۰۰ میلیون نفر می‌باشد. آراء فلاحیان آرائی است که رژیم جمهوری اسلامی میتواند بر آنها متکی باشد، آراء واقعی هواداران جمهوری اسلامی است. حتی آخوندها و بخش عظیمی از اقلیت مذهبی حاضر نشده‌اند به فلاحیان رای دهند. فلاحیان بلندگویی خامنه‌ای - رفسنجانی - مصباح یزدی و دارودسته مافیای رژیم است. این آراء چنانچه در آن تقلب نشده باشد عمق نفرت مردم را به این دستگاه نشان میدهد. فلاحیان ۲/۰٪ آراء را به خود اختصاص داده است. این جانی که مردم با این صراحت و روشنی صلاحیتش را رد کرده‌اند مورد تأیید شورای نگهبان رژیم و شخص ولی فقیه است. حزب ما صراحتاً اعلام میکند که با طرد فلاحیان از جانب خامنه‌ای پس از شکست مفتضحانه وی مخالف است. ما بر آنیم که وی باید بعنوان مظهر بی نقاب جمهوری اسلامی در یک غدیر خم دیگر بجای خامنه‌ای بنشیند و ولی فقیه آینده جمهوری اسلامی گردد. در و تخته آنوقت خوب بهم خواهند خورد.

توکلی که در بین مردم به جاسوس انگلیس معروف است حدود ۴ میلیون و سیصد هزار رای آورده است. آراء وی بیان حداکثر نیروی است که رژیم توانسته با عایدی نفت و غارت ثروت‌های ملی و باج دهی و مفتخوردن برای خویش تامین کند. این پایگاه ولی با اوج مبارزه مردم مانند مقوا در هم میریزد و برای رژیم قابل اعتماد نیست.

## انتخابات در خارج

رژیم جمهوری اسلامی در قیل از انتخابات جنجال راه انداخته بودند که ۵ میلیون ایرانی واجد شرایط انتخابات در خارج از ایران وجود دارند که باید در انتخابات شرکت کنند. سفارتخانه‌ها صندوقهای آراء چیده بودند تا ایرانیان خارج از کشور را به شرکت در انتخابات ترغیب کنند. اپوزیسیون ایران در خارج از کشور بجز خیانتکاران توده‌ای - اکثریتی، جاسوسان وزارت اطلاعات، همدستان کنفرانس برلن، پادوهای رژیم که وظایف فرهنگی برگذاری جشنواره فیلمهای جمهوری اسلامی، موسیقی، تاتر به نفع جمهوری اسلامی را بعهدہ دارند، خانواده‌های سفارتخانه‌چی‌ها، تجار محترمی که از ترس جیبشان به آمال مردمشان خیانت می‌کنند، نان به نرخ روز خوروا، دانشجویان بورسی رژیم این انتخابات را تحریم کردند و مطابق آمار نقلی رژیم علیرغم زور زدن خارج از حد خائنین اکثریتی بمتابه بلندگویان رژیم خمینی در خارج از کشور، ۷۳ هزار نفر از ۵ میلیون نفر یعنی ۱/۵٪ از آنها در انتخابات شرکت کرده‌اند (تازه اگر این آمار درست باشد، رندی میگفت اکثریت که اینقدر عضو ندارد - توفان) که بخشی از این آراء به نفع فلاحیان و توکلی به صندوق ریخته شده است. حال که کار افتضاح بالاگرفته است در تبلیغات رسمی رژیم از این پیروزی "مشعشعانه" در خارج از کشور سخنی هم نمی‌رود. آنها این وظیفه کثیف را بعهدہ طیف توده‌ایها - اکثریتها گذارده‌اند تا از

شکست جمهوری منقور اسلامی در خارج از کشور یک پیروزی کامل سیاسی بسازند. در این عرصه بویژه دولت آلمان با این عده وامانده سیاسی و کارچاق کن رژیم توسط بنیادهای امپریالیستی و یا مسئولین امور فرهنگی شهرها و یا موسسه زبان گوته همکاری کرده و آنها را مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار می‌دهد. باید منتظر بود و دید که با روی کار آمدن خاتمی چگونه این "موسسات عام المنفعه" آدمهای سفارشی را که دلشان برای مارکهای آلمانی لک زده از ایران روانه خارج خواهند کرد. **تساکتیکهای رژیم پس از تحریم انتخابات**

قبل از تحریم انتخابات رژیم موفق شده بود ترکیب دلخواه خود را از صافی شورای نگهبان بگذرانند و آنرا طوری ترتیب دهد که خاتمی در

مقابل نه نامزد بد نام و منفور دیگر انتخاباتی قرار گیرد. رژیم حتی یک آدم استخواندار نیز در مقابل خاتمی علم نکرد تا انتخاب قطعی وی را به خطر نیاندازد، برعکس به بدنامترین آنها توسل جست (از آقایان مصباح یزدی، رفسنجانی و خامنه‌ای و دارودسته‌های موتلفه و نظایر آنها پوزش می‌طلبیم که نامشان را از قلم می‌اندازیم - توفان) تا درجه هراس مردم را از انتخاب نشدن احتمالی خاتمی افزایش دهد. این در حالی بود که امکان شرکت نیروهای مخالف مترقی و انقلابی را با رضایت آقای خاتمی که عضو موثر شورای مصلحت رژیم است سلب کرده بودند.

از همان نخستین روز خاتمی بعنوان "آش خاله" که "بخوری پاته نخوری پاته" به میدان آمده بود. ادامه در صفحه ۵

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جدول شماره ۵

سال	موضوع	تعداد افراد واجد شرایط بطور مطلق به هزار نفر	تعداد افراد شرکت کننده در انتخابات بطور مطلق به هزار نفر	نسبت افراد شرکت کننده در انتخابات به افراد واجد شرایط به درصد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۳۴/۲۷۱	۲۹/۰۷۶	۸۰/۱۶
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۴۲/۶۰۰	۲۷/۶۰۰	۶۴/۷

جدول شماره ۶

سال	آراء نفر اول بطور مطلق به هزار نفر	نسبت آراء نفر اول به افراد شرکت کننده به درصد	نسبت آراء نفر اول به افراد واجد شرایط به درصد	شاخص عدم مشارکت مردم به درصد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۲۰/۰۷۸	۵۵/۳۵	۱۳/۷۶
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۲۱/۶۰۰	۵۰/۷	۲۷/۳

## انتخاب خاتمی...

ما وارد این بحث روشن نمی‌شویم که این انتخابات بیشتر انتصابات است و متکی بر آزادی اراده انتخاب کنندگان نیست و از اخذ تصمیم آزاد آنها سخنی هم نمیتواند در میان باشد.

گزارشاتی که به گوش ما رسیده بود نشان می‌داد تا چند روزی به انتخابات مانده تعداد افرادی که قصد داشتند به خاتمی رای دهند چندان چشمگیر نبود. تبلیغات مردم نیز بصورت گذشته برای انتخاب خاتمی گسترده نبود. عوامل متعددی در شرکت مردم در انتخابات و انتخاب خاتمی موثر افتاد. این عوامل سخنرانی‌ها و بی شرمی و وقاحت علی فلاحیان در مصاحبه‌های مطبوعاتی بود که حتی از آدمکشی پسرش نیز دفاع می‌کرد و مورد تائید شورای نگهبان بود. مردم به عیان دیدند که نامزدهای مقابل خاتمی به صراحت میگفتند که اگر بر سر کار آیند جلوی مطبوعات را می‌گیرند و اختناق کامل را برقرار می‌کنند. کارنامه جاسی این رئیس دانشگاه آزاد اسلامی سیاه بود. وی پسران و دختران دانشجو را به جرم مصاحبت با یکدیگر از دانشگاه اخراج و قوانین غلط و شدداد در محیط علمی و آموزشی وضع می‌کرد. معلوم نیست این متحجرین فکری و دایناسورهای تاریخ از کدام طویله‌های فیضیه و مدارس حقانی فارغ التحصیل شده‌اند. چنین جانوری حال قصد داشت رئیس جمهور یک کشور شود که نخستین انقلاب دموکراتیک آسیا را انجام داده بود.

یکی از نامزدها مدعی شد که آزادی زنان در ایران زیاد شده است و باید جلوی راکرت، دیگری از خطر فساد جوانان سخن میراند. آنها وعده کردند اگر انتخاب شوند بیخ اختناق و تحجر را بیشتر بیجانند. آنگاه سناریوی بعدی را در مطبوعات تبلیغ کردند و درجه توحش خود را به نمایش گذاردند. دارودسته رجاله‌های فلاحیان، شریعتمداری، مصباح یزدی معرکه گرفتند و در شهر به رجز خوانی پرداختند. آنها با اعدامها و سنگسارهای وحشیانه و قرون وسطائی کاری را که چندی بود آغاز کرده بودند ادامه دادند و جامعه را از این عمامه بصران جنایتکار بیزار و در عین حال هراسناک کردند.

قلع و قمع نهضت آزادی و نیروهای معروف به ملی-مذهبی که در استقرار این رژیم ترور و وحشت یار آنها بودند و دست آخوندها را برای آموزشهای دولتی و اداری و دیپلماتیک و... گرفتند، اعترافنامه‌های ساختگی و مصاحبه‌های تلویزیونی مضمض کننده، بگیر و ببندها و شکنجه‌های خودسرانه، حذف حداقل امنیت قضائی تأثیرات بسیار منفی نسبت به جمهوری اسلامی در ذهن مردم گذارد و در شرایط فقدان یک بدیل انقلابی و مترقی آنها را به دامن خاتمی سوق داد. این بار با این استدلال که سگ زرد بهتر از شغال است، آنها با اکراه ولی از ترس به خاتمی رای دادند.

در تبلیغات اصلاح طلبان گفته میشد که چون طبرزدی و سایر سازمانهای سیاسی تحریم کرده‌اند ممکن است خاتمی رای نیآورد و دست راستی‌ها انتخابات را ببرند و فلاحیان بر سر کار آید، این است که انتخاب خاتمی واجب است.

مردم از ترسشان که مبادا دست راستی‌ها ببرند در روزهای آخر به خاتمی روی آوردند و حتی میگفتند که باید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کرد اگر آن آدمخواران سر کار بیایند چه خاکی بر سرمان بریزیم. این جنگ روانی حاکمیت با موفقیت همراه بود و بخش مهمی از مردم را که دچار تردید بودند و میان نظر تحریم کنندگان و موافقین خاتمی

بدرتر، بدتر را از میان جنایتکاران انتخاب کرده‌اند، معلوم شد رژیم فقط چهارسال دیگر شانس ادامه حیات خود را آزمایش میکند، معلوم شد که ۴ میلیون نفر سرسیردگان رهبری، اگر فرض را بر این بگیریم که آراءشان را افزایش نداده‌اند، دچار وحشت مرگ خواهند شد و ناچارند به سیم آخر بزنند، بنظر ما سالیهای قطعی تعیین سرنوشت آغاز شده است و خاتمی نمیتواند هم به نعل و هم به میخ بزند. و سرانجام معلوم شد طیف توده‌ای-اکثریتی همدستان رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشورند و همان وظایف ناپاک لو دادن افراد را در زمان خمینی مجدداً بعهده خواهند گرفت.

البته نکته‌ای را که نباید در ترکیب آراء کنونی از نظر دور داشت این است که رای خاتمی نسبت به نه نفر دیگر که نامزدهای سرسپرده خامنه‌ای هستند شکننده است. رای به خاتمی در هر صورت رای بسه مخالفت با دارودسته خامنه‌ای-رفسنجانی-فلاحیان محسوب میشود، گرچه جمهوری اسلامی از آن سوء استفاده کرده و از نظر تبلیغاتی آنرا تائید مجدد جمهوری اسلامی جا خواهد زد ولی آخوندها در میان خودشان و در جلسه شورای تشخیص مصلحت رژیم بخوبی از ترکیب و ماهیت این آراء با خبرند. آنها میدانند که ۱۵ میلیون مخالف واجد شرایط دارند و میلیونها نفر از کسانی که به خاتمی رای دادند همان مخالفین رژیم هستند که ادامه در صفحه ۶

نوسان می‌کردند، در روزهای آخر از وحشت پیروزی فلاحیان و دارو دسته خامنه‌ای به انتخاب خاتمی واداشت. عامل ترس و وحشت یکی از عوامل موثر مبارزه انتخاباتی رژیم بدل شده است. آنها این کارت را به موقع بازی می‌کنند.

از این گذشته جمهوری اسلامی که بشدت از تحریم انتخابات توسط نیروهای اپوزیسیون هراسیده بود و از تأثیرات آن در میان مردم گرایش عمومی آنها خبر داشت با تمام قوت کوشید مردم را به شرکت در انتخابات با تمام وسایل ممکن که در اختیار داشت اعم از نماز جمعه تا رسانه‌های گروهی تشویق کند.

در روزهای آخر مرتب از مردم میخواستند که در انتخابات شرکت کنند بویژه پس از اینکه رادیوهای خارج مسئله تحریم انتخابات را بشدت تبلیغ کردند. خامنه‌ای شرکت در انتخابات را وظیفه شرعی خواند، رای دادن را تکلیف مسلمانان اعلام کرد.

در هر صورت این نوع تبلیغات رژیم نشان داد که ۱۵ میلیون نفر از مردم ایران به تکلیف شرعی خامنه‌ای گردن نهاده و برای مذهب اسلام تره هم خورد نکرده‌اند، معلوم شد گرایش به روی برتابی از رژیم رو به افزایش است، معلوم شد که بخش بزرگی از ۲۱ میلیون رای خاتمی تائید رهبر نیست، ترس مردم از رهبر و فلاحیان و دارودسته‌های مصباح یزدی و سعید امامی است. معلوم شد که برخی از مردم میان بد و

### کودتای نپال...

"چاندرا" وزیر مربوطه ولیعهد را بی‌گناه جلوه دهد و این حادثه را تصادفی بخواند. شورای سلطنت این کشور نیز که فوراً تشکیل جلسه داده بود، این افسانه را تأیید کرد.

ولیعهد در حال اغما شاه نپال اعلام شد.

سپس این خبر یخش شد که قاتل پدر و مادر، شخص شخیص والا حضرت تشریف دارند که تحت تأثیر عشق به یک دختر با یک مسلسل خودکار، که بطور تصادفی در شب ضیافت دم دست ولیعهد قرار داشته کار پدر و مادر و سایر آشنایان را طوری ساخته‌اند که برای پادشاهی عمویش مانعی قانونی وجود نداشته باشد. جالب این است که گلوله‌های شلیک شده تصادفی به هیچکدام از بستگان عمومی "قاتل" اصابت نکرده‌اند.

سرانجام کمیسیون تحقیق که تحقیقات را طول می‌داد تا آنها از آسیاب بخواهد و قدرتمندان جدید نظارت کامل خود را برقرار سازند گزارش داد که شاهزاده "دپندرا" (Dipendra) پس از بالا انداختن دو گیلان و یسکی اعلا و مست کردن، مواد مخدر زده بوده و در حالت نشنگی و کشیدن حنیش اختیار خود را از دست داده و خانواده خویش و سپس تخصص خودش طوری به قتل رسانده که آثار جرمی باقی نماند.

البته وقتی مردم معترض شدند و به خیابانها آمدند چون به این افسانه باور نداشتند، فوراً حکومت نظامی اعلام شد و ولیعهد تیر به مزخ خورده در بیمارستان ارتش به سوی خدا شتافت.

حال راه باز بود تا تنها نامزد ممکن پادشاهی شاهزاده "گیانندرا" Gyanendra که برادر پادشاه مقتول بود به پادشاهی نپال برسد. وی بر حسب تصادف در شبی که آن مسلسل بطور تصادفی به سوی پدر و مادر از عشق به یک دختر شلیک شده بود در خارج از نپال بسر میبرد تا قطره‌ای از آن خونها به دامش نچسبید. در پشت این داستان هزار یک شب که سرشار از دروغهای ارتجاع حاکم است تشدید تضادهای حاکمیت در نپال نهفته است. از نخست وزیر، تا شاه و شورای سلطنت مانند همیشه به مردم دروغ تحویل می‌دهند.

کشور نپال در میان هندوستان و جمهوری چین توده‌ای قرار دارد. نپال کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال است که بشدت در زیر تسلط "قدیمی‌ترین دموکراسی جهان" یعنی هندوستان قرار دارد که پای امپریالیسم انگلستان را به آتجا باز کرده است. هندوستان با نفوذ فراوان خویش از طریق حزب کنگره هندوستان و تسلط وی به حزب کنگره نپال توانسته قراردادهای استعماری فراوانی به کشور نپال تحمیل کند. مردم کشور نپال که ۲۷/۲ درصد ذخایر حیاتی آب جهان را دارد خود از مصرف آب بهداشتی محرومند و انرژی برقی که با کمک منابع طبیعی آبی آن کشور در چهارچوب پروژه "ماهاکالی" تولید میشود

هزینه‌های معادل پنجسال بودجه این کشور فقیر را دارد که با قیمت نازل به هندوستان منتقل می‌گردد.

مبارزه مردم نپال و در رأس آنها کمونیستها رژیم استبدادی سلطنتی قبلی را وادار کرد که از سال ۱۹۹۰ به یک سلطنت به اصطلاح مشروطه تن در دهد و پارلمانتاریسم بورژوازی را به رسمیت بشناسد. از آن دوره تاکنون در بار نخست وزیران عوض شده و هر کدام چاق و چله مسند وزارت را ترک کرده و جای خود را برای چاییدن مردم بدیگری داده‌اند. از پارلمانتاریسم بورژوازی پولش به حاکمیت و فقرش به مردم رسیده است. مردم اعتمادی به این نوع پارلمانتاریسم بورژوازی ندارند. تاریخ مصرف آن در نپال نیز پایان رسیده است. جالب این است که حزب رویزیونیستی که نام کمونیست بر خود نهاده است با رژیم نپال همکاری میکند. رویزیونیستها موفق نشدند با همکاری با ارتجاع جنبش انقلابی مردم نپال را خفه کنند. بعلت رشوه‌خواری نخست وزیر در قدرت رویزیونیستها نیز وحشت دارند که وی را مورد حمایت خود قرار دهند. جنبش انقلابی دهقانی خلق نپال که در روستاها از نفوذ فراوانی برخوردار است با توسل به قهر انقلابی و ایجاد پایگاههای قدرت نوین خلق در مناطق آزاد شده رژیم سلطنتی را بشدت تحت فشار قرار میداد، و از سال ۱۹۹۶ یعنی از زمانیکه قدرت خلق را شعار خود ساخته‌اند هر روز روستائی در پی روستای دیگر سقوط میکند، ایالت رولپا کاملاً در دست آنها قرار دارد، اعتصاب عمومی پایتخت در سال ۱۳۷۹ که مورد حمایت عمومی قرار گرفت مستقیماً به رهبری نیروهای کمونیست بانجام رسید.

حزب کمونیست نپال در صدد آن است که در یک انقلاب دموکراتیک نوین که متکی بر اندیشه‌های رفیق مائوتسه تونگ و تجارب انقلاب کبیر چین است کشور نپال را از اسارت فئودالیسم رها سازد. رهائی نپال در همسایگی هندوستان برای این کشور قابل تحمل نیست زیرا میتواند به تقویت جنبش انقلابی کمونیستها در هندوستان منجر شده و نهضتهائی نظیر نهضت "ناکزال باری" را شعله ور سازد. مردم نپال با درآمد سرانه‌ای معادل ۱۲۰۰ دلار در سال از فقیرترین مردم آسیا محسوب می‌گردند که توسط یک رژیم سلطنتی موروثی اداره می‌گردند. برای یک کشور ۲۳ میلیونی فقط ۵۰۰۰ تخت بیمارستان وجود دارد و ۴۰ درصد مردمش زیر خصص فقر زندگی می‌کنند. رشد جنبش انقلابی بی‌وزنه در روستاهای نپال و شکست نیروهای ارتش و پلیس در سرکوب آنها ارتجاع نپال را وادار ساخت که چکمه‌های خود را بپا کند و تدارک جنگ گسترده‌ای را علیه کمونیستهای نپال سازمان دهد. این امر با دست پادشاه گذشته مقدر نبود که به وی ایراد میگرفتند و یا شایع ساخته بودند که موافق استفاده از ارتش نپال علیه نپالی‌ها نبود و میگفت نپالی نباید نپالی را بکشد. امپریالیسم و ارتجاع هند برادر وی را با این کودتا به جای وی نشانند تا در صورت عدم موفقیت در

سرکوب جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک خلق نپال زمینه تجاوز کم و بیش آشکار هندوستان به نپال را فراهم آورد. اطلاعیه‌ای حزب کمونیست نپال که در روزنامه‌های کثیرالانتشار پایتخت منتشر شد این نقشه ارتجاع و امپریالیسم و افسانه دعوی عروس و مادر شوهر را فاش ساخت. حکومت جدید که بشدت از این افشاگری ناراحت شده بود، روزنامه افشاگر را ممنوع ساخت. کار بجائی رسیده است که حتی اپوزیسیون پارلمانی طالب استعفای نخست وزیر فاسد نپال آقای "جیریا پرساد کی نورا" (Girija Prasad Kiorala) شده است. آنها اعلام کرده‌اند که چنین آدم فاسدی قادر نیست رضایت چهای رادیکال را تأمین کند (بخوانید فریب دهد و یا سرکوب کند-توفان).

خلق ۲۳ میلیونی نپال برهبری حزب کمونیست از هم اکنون ماهیت رژیم کودتاگر و دست‌نشانده کنونی را افشا کرده و مورد حمایت وسیع مردم در شهرها و روستاها قرار گرفته است. جنگ گسترده خلق در نپال در پیش است و بیچاره رویزیونیستهای روسی ناچار شده‌اند پشت سر سلطنت طلبان سینه بزنند. هم اکنون وضع فوق العاده در نپال برقرار است و کودتای عمومی شاه خاطره کودتای آمریکا علیه نگودین دیم در ویتنام را بیاد می‌آورد که آغازی برای حملات گسترده امپریالیسم آمریکا به ویتنام گشت. همان روش را ارتجاع انگلستان و هندوستان در مورد نپال انتخاب کرده‌اند و همان نقش ضد انقلابی را نیز رویزیونیستها بعهد می‌گیرند.

### انتخاب خاتمی...

فریب مانورهای هراس برانگیز رژیم را خوردند، این عده متحد بالقوه همان ۱۵ میلیون به حساب می‌آیند. یخش دیگری از این عده معتقدند که خاتمی وقت کافی نداشته و با محافظه کاران نمی‌گذاشته‌اند وی کار کند، این عده نیز مسلماً همین نظر را در انتخابات بعدی نخواهند داشت و چشم و گوششان باز خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی در تنگنای زمانی قرار دارد باید تا دیر نشده راه چاره‌ای پیدا کند. محافظه کاران نمی‌توانند این تفاوت رای را که از هر انتخابات به انتخابات دیگر افزایش چشمگیری می‌یابد و در کنار آن بخش بزرگی از مردم از رژیم روی بر میتابند و در پی راه حلهای قطعی بر می‌آیند بی تفاوت نگاه کند و در نظر نگیرد. آنها می‌بینند علیرغم مزخرفات ائمه جمعه در هر هفته و تکفیر اصلاح طلبان و سرکوب بخشهای رادیکالتر آنها، ممنوعیت مطبوعات، کنترل کامل صدا و سیما، ترور و قتل مخالفان، انحلال مجلس و نظایر آنها نمیتوانند بر مشکلات غلبه کنند. راه بازگشت و توبه نیز بر آنها بسته است زیرا اگر توبه آنها را پروردگار مهربان و بخشنده ببذیرد، آن توبه را که مردم نمی‌پذیرند زیرا میدانند که توبه گرگ مرگ است.

"اپوزیسیون تقلبی" چهره بزرگ کرده رژیم است

## اکوادور...

لزوماً به سرنگونی دولت منتهی نمی‌شود، و به مطلوب خود دست نمی‌یابد، ولی با کاری که ما کردیم، نارضایتی مردم افزایش یافت. دعوت به اعتصاب عمومی در هفتم فوریه، مورد استقبال قرار گرفت و باعث شد تا مردم اشکال خشن مبارزه را در پیش گیرند: از مصادره و آتش زدن اتوبوسها گرفته تا اسیر کردن نظامیان...

در برخی مناطق، ما موفق به سیج ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر از بینوایان بومی شدیم و به اتفاق آنها انتخاب حکام محلی را مقدور ساختیم. در اینجا بود که ما با عامل تازه‌ای روبرو شدیم: بومیان محلی به مخالفت با رهبری سنتی خود برخاسته و حکام را از میان رقای ما انتخاب کردند. امری که تا بحال سابقه نداشته است... مبارزات اخیر تعدادی کشته نیز بجای گذاشت. سرخپوستان در یکی از مناطق برج نظارت یک فرودگاه را به آتش کشیدند. ناگفته نماند که در شماری از مناطق، جنبش توده‌ها از مساعدت کلیسا هم برخوردار شد. در ۶ منطقه فرماندهان نظامی حاضر به سرکوب مردم نشدند و این میرساند که ما موفق به تجزیه نیروهای مسلح شده‌ایم. در یک چنین شرایطی بود که بورژوازی بر آن شد تا راه حلی برای مسایل جاری پیدا کند. به نظر ما، مبارزات توده‌ای، مبارزاتی که ۶ هفته بدرازا کشید، نتایج خوبی برای مردم در برداشت. گو اینکه عاقبت، بعد از اینکه سازشی میان رهبری بومیان و دولت و کلیسا و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، به

## امپریالیسم...

توهمات را بدور افکنند. امپریالیسم آمریکا دوباره برنامه جنگ ستارگان را در دستور کار خود قرار داده است، ناتومی خواهد در آذربایجان پایگاه ایجاد کند و روزی نیست که برای مبارزه با نهضت‌های آزادیبخش و مبارزات اعتراضی مردم سلاح جدیدی اختراع نکنند. مسابقه تسلیحاتی همچنان ادامه دارد زیرا دنیای دو قطبی، قطب فقر و زجر و قطب ثروت و ظلم و جور به پایان نرسیده است. مطبوعات خبر می‌دهند که امپریالیسم آمریکا اسلحه جدیدی برای مبارزه با تظاهرات مردم به میدان آورده که آنرا اسلحه میکروویو مینامند. آنها میخواهند از این اسلحه در ماموریت‌های صلح استفاده کنند. طنزی به این بی‌شرمی دیده‌اید؟ اساس کار مانند همان دستگاه‌های تندپز خانه‌های مردم است. اسلحه جدید با تراکم اشعه با طول موج میکرونی سلولهای بدن را بشدت به حرکت آورده و تظاهر کننده بدون آن که متوجه شود احساس گرما میکند، درست مانند اینکه دارند وی را در تنور

مردم خیانت شد. سازشی که اصلاً تازگی نداشت و باعث نارضایتی در میان مردم بود...

نتایج و جمع‌بندی:

حزب ما عملاً در میان بومیان پایه‌های استواری پیدا کرد. طی این ۶ هفته مبارزان تازه‌ای به ما پیوسته و به عضویت حزب در آمدند. حزب ما اعتبار بیشتری بدست آورد. هم اکنون مردم شاهد مواضع قاطع حزب ما هستند. این تجربه‌ای است تازه برای استحکام و دوام مبارزه. رهبری در یک مبارزه مورد تأیید قرارگرفت. ترور بعضی از رهبران میل به مبارزه را بیشتر کرده و ضرورت ادامه آن روحیه مردم را فراگرفته است. برای رسیدن به پیروزی فقط مبارزه کافی نیست، بلکه باید سازماندهی شود و در عین حال احتیاج یک رهبری قاطع نیز وجود دارد.

در کنفرانس احزاب برادر، تشکلهای زیر شرکت داشتند:

حزب کمونیست کلمیا م-ل.

حزب کمونیست اکوادور م-ل.

گروه م-ل انقلابی نروژ.

حزب کمونیست کارگران دانمارک.

حزب کمونیست آلمان.

سازمان کمونیستی اکتبر (اسپانیا).

حزب کمونیست کارگران فرانسه.

سازمان احیاء حزب کمونیست کارگران ایتالیا.

حزب کمونیست انقلابی ولتائیک.

حزب کمونیست انقلابی ترکیه

حزب کار ایران (توفان).

## نه به اروپای انحصارات!

امپریالیسم اروپا و در راس آنها آلمان و فرانسه میکوشند به اتحاد اروپا زیر سلطه این دو امپریالیست تحقق بخشند. اروپای واحد اروپای تنزل واحد سطح زندگی زحمتکشان است. اروپای متحد بهره‌کشی یکسان و متحد از کارگران است. اروپای واحد اروپای تمرکز سرمایه‌ها، تراکم آنها و رقابت با امپریالیسم آمریکا و ژاپن است. اروپای واحد برای این رقابت به تغذیه واحد از خون زحمتکشان نیاز دارد. بهمین علت در کشورهایی که پیوستن به اروپا را به رای عمومی می‌گذارند مقاومت مردم به رد این اتحاد منجر میشود. امپریالیسم "دموکرات" اروپا میترسد برپایی اروپای متحد را به رای همگانی بگذارد. آنها با تبلیغات یکجانبه سعی می‌کنند گوش و چشم مردم را از "فواید" اروپای متحد که فایده سرمایه‌داران انحصاری است پر کنند. مبارزه مردم در قاره‌های آمریکا، اروپا و اقیانوسیه علیه انحصاری شدن سرمایه و تسلط مطلق آنها بر جهان مبارزه‌ای برحق است که باید از آن دفاع نمود. حزب کار ایران (توفان) با الهام از این سیاست فعالانه در تظاهرات نیروهای انقلابی در گوتنبرگ شرکت کرد.

اعلامیه زیر دعوت به این تظاهرات است:

گرد همانی سران اروپا در گوتنبرگ سوئد، از ۱۳ تا ۱۶ ژوئن آینده برگزار میشود. این گرد همانی، تدارکی است برای یک تعرض دیگر به بیمه‌های اجتماعی، به حقوق کارگران و به قوانین و حقوق دموکراتیکی که توسط خلقهای اروپا بدست آمده‌اند. پای تعرضی در میان است که سرمایه انحصاری میخواهد آنرا به نام "گلوبالیزاسیون" و یا "لیبرالیسم نوحاسته" بر علیه طبقه کارگر و خلقها به اجراء در آورد. اتحادیه اروپا، تماماً به این جریان تعلق دارد. اکثریت ساکنان کشورهای ۳ گانه اسکاندیناوی دانمارک، سوئد و نروژ مخالف "ارو" (پول واحد اروپا-توفان) و مخالف اتحادیه اروپا هستند. ولی این ۳ کشور، در قبال طرح امپریالیستی انحصارات اروپایی "حلقه ضعیفی" را تشکیل میدهند. ما احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیست (امضاء کنندگان این متن)، از همه کارگران و خلقهای اروپایی دعوت میکنیم تا با شرکت در تظاهرات روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن سال جاری در گوتنبرگ-سوئد، با صدای رسا دررد "ارو" فریاد بر آورده به مردم سوئد در مبارزه برای خروج از اتحادیه اروپا یاری دهند. نه، به اروپای انحصارات!

گروه مارکسیستی لنینیستی انقلابی نروژ

حزب کار ایران (توفان)

حزب کمونیست کارگران فرانسه

حزب کمونیست کارگران دانمارک

حزب کمونیست انقلابی ترکیه

حزب کمونیست آلمان

جدایی دین از دولت و آموزش!

## تاکتیک در مبارزه...

خواهند کرد بدون آنکه به ساحل مقصود برسند. در انقلاب چین برای بسیج توده‌های مردم در یکی از مناطقی که کمونیستها نفوذ داشتند جیره بندی کردن مشروب دهقانان که نارضائی وسیعی تولید کرده بود زمینه‌ای شد تا کمونیستها به بسیج دهقانان پرداخته و خواسته‌های آنها را به پیروزی برسانند. این اقدام به دهقانان اعتماد به نفس میداد، قدرت واقعی خودشان را برای خودشان روشن می‌کرد، آنها را به اهمیت اتحاد و مقاومت در مقابل خانها و اربابان راقف می‌گردانید، زمینه طرح خواسته‌های مهمتر در آنها بوجود می‌آمد و ... این تاکتیک، تاکتیک درستی در مبارزه بود.

برخی چپ‌روها در زمان لنین می‌گفتند که از آنجا که حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در دوران امپریالیسم امر محالی است، ما نباید خودمان را به این امر مشغول کنیم.

لنین بدرستی به دوران ارتجاع انحصارات و سیاست ارتجاعی امپریالیسم که سرکوبگر دموکراسی بود اشاره می‌کرد، وی می‌گفت که آنها طالب آنند که دیکتاتورها و مستبدین بر سر کار باشند ولی خواست آنها یک طرف و مبارزه ما با آنها برای کسب امتیازات بیشتر در طرف دیگر این معادله قدرت است. اگر قرار باشد مارکسیست لنینیستها چنین استدلال کنند که حقوق دموکراتیک از جمله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حقوق زنان و از جمله حق طلاق و حضانت کودکان و انتخاب مسکن و ... و یا حق رای همگانی و مستقیم و یا مطالبات کارگری در دوران امپریالیسم و تسلط سرمایه‌داری ممکن نیست، زیرا امپریالیسم و سرمایه‌داری مرتجع و دشمنان آزادی هستند با این شعار چپ‌روانه فقط به سرور و شادی مرتجعین خدمت کرده‌اند و خود را از هر کار عملی بی‌نیاز قلمداد کرده‌اند. چون دموکراسی واقعی بزعم آنها در عصر امپریالیسم ممکن نیست، پس کمونیستها باید از مبارزه برای خواسته‌های دموکراتیک و مطالبات کارگری و نظایر آنها چشم‌پوشند و منتظر معجزه در خانه‌های خود انتظار بکشند که یا امپریالیسم خود بخود سرنگون شود و یا اینکه مردم خود بخود به نظریات کمونیستها برسند.

لنین بهمین جهت در مورد کسانیکه مبارزه دموکراتیک را در دوران امپریالیسم نفی می‌کردند می‌گفت: "تتها افرادی که به هیچوجه توانائی فکر کردن ندارند یا به هیچ وجه اطلاعی از مارکسیسم ندارند، میتوانند از آن چنین نتیجه‌گیری کنند: پس جمهوری، آزادی حق طلاق، دموکراسی، آزادی حق تعیین سرنوشت ملیتها هیچ ارزشی ندارد! ولی

مارکسیستها می‌دانند که دموکراسی نظام طبقاتی را از بین نمی‌برد، بلکه فقط مبارزه طبقاتی را خالصتر، گسترده‌تر، واضح‌تر و براتر می‌گرداند و این همان چیزی است که ما بدان نیازمندیم. هر چه آزادی طلاق کاملتر باشد، برای زن واضح‌تر می‌گردد که سرچشمه "بردگی خانگی" او سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق. هر چه نظام دولتی دموکراتیک‌تر باشد برای کارگران روشنتر می‌گردد که پایه بدیختی آنها سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق، هر چه تساوی حقوق ملل کاملتر باشد (این تساوی بدون آزادی جدا شدن کامل نیست)، برای کارگران ملت تحت ستم روشنتر می‌گردد که اشکال اساسی سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق. و الا آخر" (کاریکاتوری از مارکسیسم و در باره اکونومیسم امپریالیستی اثر لنین چاپ فارسی صفحه ۸۰ تا ۸۱ نشریه ۶۲ توفان).

روشن است که مبارزه بر علیه هرگونه ستمگری و تضییق حقوق مردم، مبارزه‌ای در خدمت دورنمای اساسی، در خدمت استراتژی حزب طبقه کارگر است و نباید این هدف را از نظر فروگذار و صرفاً در خرده‌کارها غرق گردد. ولی بدون اتخاذ تاکتیکهای درست مبارزه، امکان آموزش و بسیج مردم، آموزش به مردم و آموختن از مردم، تعمیق شناخت اجتماعی و افضاء همه جانبه حاکمیت امکانپذیر نیست. از این بحث تئوریک که مجموعه تاریخ نهضت کمونیستی صحت آنرا به اثبات رسانده است می‌خواستیم این نتیجه را بگیریم که در مورد ایران و مثلاً انتخابات ریاست جمهوری نمیتوان مدعی شد که چون ما با کلیت این نظام در مخالفت هستیم لزومی به این نمی‌بینیم که مسئله تحریم را طرح کرده و از آن دفاع کنیم. این شعار بنظر ما فقط در ظاهرش چپ است ولی ارزش عملی مبارزاتی ندارد. میشود بعنوان مخالف رژیم در انتخابات شرکت نکرد و یا بنادرستی باین نظر رسید که باید در انتخابات در این بار شرکت کرد. ما نمی‌خواهیم فعلاً بر درستی و یا نادرستی این دو موضع تکیه کنیم چرا که نظریات خود را در همین شماره و یا شماره‌های قبلی توفان بیان داشته‌ایم. چنین افرادی میتوانند با پی‌بردن به اشتباه تحلیلشان در بار آینده مواضع درست اتخاذ کنند. زیرا به یک خطای تاکتیکی سیاسی دچار شده‌اند. ولی یک چیز در هر صورت نادرست است که اگر ما بخواهیم بی‌تفاوتی نسبت به تحریم و دخالت در کار سیاسی را تا درجه یک تئوری بظاهر چپ و فاقد ارزش ارتقاء دهیم. این جاست که به خطائی بزرگتر دچار شده‌ایم که از این انتخابات تا انتخابات بعدی قابل درمان نیست. با انحرافی

خطرناک در جنبش کمونیستی روبرو میشویم که میتواند سر از مبارزه چریکی در آورد که تجربه ناموفق آنرا مردم ما پشت سر گذارده‌اند.

با این استدلال که چون کلیت رژیم برای ما زیر پرشش است، نمی‌توان از خود در مبارزه روزمره سلب مسئولیت کرد و فقط با شعارهای تند و تیز گوشه نشین شد. با این حساب نباید به ممنوعیت مطبوعات نیز اعتراضی کرد، نباید به شکنجه مردم در زندانها معترض بود، نباید برای حقوق دموکراتیک از جمله حقوق زنان تبلیغ و مبارزه کرد نباید... آنهم با این استدلال سراپا نادرست که "از یک رژیم ارتجاعی بیش از این نمیشود انتظار داشت"!

این استدلال نه تنها دست رژیم را برای هرگونه سرکوبگری نوین باز می‌گذارد، بلکه حامی این شعار را کم کم به حامی خام و ساده لوح رژیم بدل می‌کند. این حامی کم کم دیگرانی را که برای حقوق دموکراتیک مبارزه می‌کنند با این استدلال که گویا چشم امید به این رژیم دارند تخطئه می‌کند و این نوع استدلالاتی جایی در میان مردم ندارد و نه از نظر تئوریک درست بوده و از نظر سیاسی نیز به ارتجاع سیاه منجر می‌گردد.

ما خواستیم در این زمینه نقطه نظر خود را نسبت به نظریات چپ‌روانه نیز بیان کرده باشیم. چون این بحث بحثی اصولی خواهد بود.

### اعلامیه‌های منتشر شده از طرف حزب کار ایران در هفته‌های اخیر

- اطلاعیه: "اعترافات" علی افشاری ورشکستگی جمهوری اسلامی است. ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰
- انتخابات ریاست جمهوری انتخاب بین ویا و طاعون است، آن را تحریم کنید. مورخ ۱ خرداد ۱۳۸۰.
- فراخوان مشترک در مورد انتخابات ۷ خرداد ۱۳۸۰.
- تظاهرات عظیم دانش آموزان در ایران مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۸۰.
- کارگران چیت ری در مقابل مجلس دست به تظاهرات زدند ۲۳ خرداد ۱۳۸۰

از کمک‌تان متشکریم

رفیقی از فرانسه ۴۰۰ فرانک



## فعالیت برای تحریم

خرداد ۱۳۸۰) در ساعت شش و نیم بعد از ظهر از طرف امضاء کنندگان فراخوان مشترک یک جلسه بحث آزاد خوانده شد. موضوع بحث عبارت بود از: "ما و انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، جامعه ایران به کدام سو در حرکت است؟" در این فراخوان از همه ایرانیان آزاده و علاقمند به مسایل سیاسی ایران دعوت شده بود که در این گرد همائی شرکت جویند. در این جلسه بشدت به کارچاق کن های رژیم جمهوری اسلامی و آن دسته از ایرانیانی که آلت دست سیاست وزارت اطلاعات و اکثریتها شده اند که تحت نام "کمیته هماهنگی" مردم را به شرکت در انتخابات قلابی جمهوری اسلامی دعوت میکردند حمله شد. آنها بشدت افشاء شده و پته شان بر آب ریخته شد. حتی یکفر نیز حاضر نشد از خاتمی حمایت کند. همه تشکلهای شرکت کننده در بحث به ضرورت برخورد افشاءگرانه به خاتمی و استحاله طلبان و انجمنهای بی نام و نشان و غیرسیاسی که نصفشان زیر زمین است و برای رژیم جشنواره فیلمهای ایران، موسیقی ایران، تئاتر ایران و خوانندگان صادراتی ایران و سخنرانان ایران می گذارند و از محنت مردم ایران بی غمند، تکیه کرد. این دارو دسته های بدنام اخیراً فعالیتشان را تشدید کرده اند. جا دارد که نقاب آنها را درید.

جمهوری اسلامی همراه ارسال ۷ مارک تمبر دریافت کنند و آنها را برای آگاهی عموم توزیع نمایند. مردم ایران حق ندارند لو دادن انقلابیون ایران را توسط توده ای-اکثریتی های رنگارنگ فراموش کنند. در بخش دیگری از گزارش رفقا می آید: در روزهای پنجشنبه ۷ ژوئن برابر با ۱۷ خرداد، ما نیروهای سیاسی امضاء کننده این جمع بندی بر طبق فراخوانهایی از طریق رادیوهای محلی از عموم ایرانیان مبارز و آزادیخواه و نیز نیروهای چپ و رادیکال و انقلابی دعوت به شرکت در حرکتی اعتراضی بر علیه "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی نمودیم که با استقبال خوب ایرانیان مبارز و آزادیخواه روبرو گردید. این آکسیونهای مشترک اعتراضی که در مرکز شهر استکهلم و مقابل سفارت جمهوری اسلامی صورت گرفت، باعث افشاء آن دسته از ایرانیانی گردید که برای منافع حقیرشان، تلاش نمودند با سازماندهی، عده ای را راهی سفارت نمایند. اما این اقدامات ارتجاعی این جماعت نان به نرخ روز خور و جیره خوار رژیم با شکست مفتضحانه ای روبرو گردید. به نظر رفقای ما این اتحاد عمل ضد رژیمی بسیار مثبت بود و تأثیرات خوبی در میان مردم نهاد و باعث ترس مرگ توده ای-اکثریتی-وزارت اطلاعاتی شد. در تاریخ چهارشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۱ (۱۶

رفقا قدرت قاسمی و رضا کنجکاو به مصاحبه های رادیویی دست زدند و مواضع حزب را در مورد انتخابات ریاست جمهوری و دلایل تحریم آن از جانب ما را به تفصیل توضیح دادند که در سطح سوئد بازتاب وسیعی داشت. "انتخابات" ریاست جمهوری در سطح استکهلم با شکست مفتضحانه ای روبرو گردید و تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین پیروزیهای جنبش چپ و انقلابی در چند سال اخیر در سطح استکهلم بوده است. حتی فضای سیاسی طوری بود که حزب کار مدتها بعد فعلا نه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نان به نرخ روز خورها زمینه افشاگری داشت. جالب این است که جناح توده ای-اکثریتی-وزارت اطلاعاتی رژیم برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور فعالیت می کردند و بسیج مینمودند. این آغاز همکاری کامل این عده با رژیم جمهوری اسلامی و لو دادن افراد می باشد. این عده در همکاری با ضدانقلاب جمهوری اسلامی دستشان تا مرفق به خون جوانان وطن ما آغشته است. جا دارد که در یک کارزار تبلیغاتی این موج جدید خیانت را آشکار ساخت. خوانندگان توفان میتوانند با مکاتبه با آدرس حزب اسناد فتوکپی شده از همدستی این دارو دسته ها را با

بخشی از گزارشات فعالیت رفقای ما در واحدهای گوناگون در زمینه تحریم انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری در روزهای پنجشنبه و جمعه ۷ و ۸ ژوئن در شهر استکهلم، حزب به اقدامات زیر دست زد. اطلاعیه های مربوط به این فعالیتها در این شماره نشریه بازتاب یافته است. در روز پنجشنبه در مرکز شهر استکهلم یک آکسیون بر علیه "انتخابات" ریاست جمهوری برگزار گردید که در آن حدود ۷۰ نفر شرکت داشتند و به بخش اعلامیه های سوئدی و فارسی در سطح شهر پرداختند و از نظر تبلیغاتی بسیار مفید واقع شد. در روز جمعه ۱۸ خرداد در جلوی سفارت جمهوری اسلامی، حزب کار ایران در آکسیون اعتراضی شرکت کرده که در آن یک رادیوی محلی به همراه منفردین سیاسی چپ رادیکال و سایر سازمانهای امضاء کننده فراخوان مشترک شرکت داشتند. تعداد نفرات به ۵۰۰ نفر میرسد که از ۱۰ صبح تا ساعت ۱۸ بعد از ظهر ادامه داشت. حزب کار تحریم انتخابات را از حالت منفعل به اقدامی فعال و تهاجمی علیه رژیم بدل ساخت. این آکسیون بسیار موفقیت آمیز بود. رفقای حزب کار با پخش اعلامیه مشترک با سایر تشکلهای در استکهلم و لین شویینگ و ارگانهای مرکزی حزب فعلا نه در آن نقش داشتند. دو تن از اعضاء مرکزیت حزب در خارج،

## بخشی از فراخوان مشترک تحریم انتخابات

ایرانیان آزاده مقیم استان استرلند سوئد روز جمعه ۱۸ خرداد، هشتمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی فرا میرسد....

این نمایش انتخاباتی در اوضاع و احوالی برگزار میشود که عفريت فقر، گرانی، بیکاری، فساد، فحشاء، دزدی، عدم امنیت، بی حقوقی و به بند کشیدن دگراندیشان و سرکوب اعتصابات کارگری و ... در ایران بیداد میکند و همه جناحهای در قدرت، چه جناح اقتدارگرا و چه جناح اصلاح طلب و "تمدن گرا" همگی در ایجاد جهنم

می ورزند، ... به بلندگوی تبلیغاتی جاسوسخانه سفارت جمهوری اسلامی بدل گشته و این عمل جز خوشخدمتی به دستاربدان فاسد و جنایتکار حاکم معنایی ندارد. از این رو ما امضاء کنندگان فراخوان مشترک چنین اقدامی را نیز قویاً محکوم و آن را در خدمت منافع رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی می نمایم. سازمان اتحاد فدائیان خلق (لینشویینگ) حزب کار ایران (توفان) - (استیلند). سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) (واحد لینشویینگ) شورای پناهندگان ایرانی در لینشویینگ جسمی از ایرانیان چپ رادیکال در لینشویینگ.

کنون لب نگشوده، بلکه بیشمارانه منکر وجود زندانی سیاسی در ایران گردیده! و خواست تغییر قانون اساسی را خیانت به ملت بیان داشته است! لذا، شرکت در "انتخابات" و رای دادن به سید محمد خاتمی، یک اقدام سیاسی بفع کل رژیم اسلامی ... می باشد. رای دادن به خاتمی بیعت با جناح مافیای در قدرت است، بدین رو آن را محکوم و تحریم می کنیم. ۳- آن دسته از ایرانیانی که به خاطر منافع حقیرشان به تبلیغ شرکت مردم در انتخابات اسلامی می پردازند و حتی باکمال بیشمری تا آنجا پیش می تازند که تحت نام "کمیته هماهنگی"، در این رابطه به فراهم کردن اتویوس و اقدامات تدارکاتی مبادرت

موجود مقصر و شریک جرمند. ما امضاء کنندگان فراخوان بر این باوریم که: ۱- "انتخابات" ریاست جمهوری، کوچکترین نشانی از یک انتخابات سالم و دموکراتیک ندارد، این نمایش انتخاباتی، نقض حق رای میلیونها انسان بالغ و تشنه آزادی است. از این رو، ما چنین مضحکه ای را قویاً محکوم و آن را تحریم میکنیم. ۲- "انتخابات" ریاست جمهوری در شرایطی صورت میگیرد که هزاران زندانی سیاسی در بند، در غیر انسانی ترین شرایط زیست بسر میبرند، ... و خاتمی در قبال این وضعیت ناهنجار موجود نه تنها تا

به حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

## تظاهرات عظیم دانش آموزان در ایران

امروز ۲۱ خرداد ماه ۱۳۸۰ دهها هزار دانش آموز مدارس تهران به خیابانها ریخته و بشدت علیه سختگیریهای امتحانات پایان دور متوسطه اعتراض کردند. آنطور که خبر رسیده است دانش آموزان امروز پس از امتحان فیزیک متوجه می‌گردند که نوع پرسشها با هدف مردود کردن آنها طراحی شده است و از همان جلسه امتحان به ناحیه‌های مربوطه آموزش و پرورش می‌روند و با شعار و شکستن در و پنجره می‌خواهند که رئیس آموزش و پرورش از کار برکنار شود. دانش آموزان شعار می‌دادند "توپ و تانک و فشفشه وزیر باید کشته شه"، "مظفر را بردارید بجاش هویج بکارید". تظاهرات از ۹ صبح تا ساعت دونیم بعد از ظهر به طول می‌انجامد. این اعتراضات به شهرستانها نیز سرایت می‌کند. آنگاه وزیر آموزش و پرورش با ترس و لرز در رسانه‌های گروهی ظاهر شده و قول می‌دهد جلسه فوق العاده‌ای را برای رسیدگی باین مسئله فراخواند، در موضعگیری اضطراری بعدی برای تسکین دانش آموزان که تظاهراتشان سراسری شده بوده است قول می‌دهد توضیحات لازم را از رئیس امتحانات و طراح سئوالات فیزیک به عمل آورد. برای شاهدان عینی جالب بود که صرفاً طرح سئوالات سخت امتحانی بدون آمادگی و سازماندهی قبلی به چنان جنبش بزرگی بدل شده است. این نشانه آن است که ناراضی‌های در ایران ریشه‌هایی عمیقی دارد و هر روز ممکن است به انفجار جدیدی منجر شود. این حادثه در عین حال وحشت رژیم و عقب نشینی فوری وی را برای خواباندن صدای دانش آموزان نشان داد. این جنبش ناگهانی در عین حال از ضعف حزب قدرتمند مارکسیستی لنینیستی حکایت می‌کند که در عرصه مبارزه برای کسب رهبری این گونه جنبشها هنوز نتوانسته مهر خود را بر آن بزند و مانع شود که جنبشهای دموکراتیک و اعتراضی فریب رژیم را بخورند. ایران آبستن حوادث بزرگی است

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم

حزب کار ایران (توفان) - ۲۱ خرداد ۱۳۸۰

## تظاهرات ایستاده در اعتراض به نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران

نمایش دوران جدید انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران در شرایطی برگزار می‌گردد که بحران سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه هر روز بیشتر اوج می‌گیرد و کل جامعه ایران را در معرض یک انفجار عظیم قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی در هراس از اوج گیری هر چه بیشتر مبارزات توده‌های وسیع کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان علاوه بر بکارگیری مداوم سلاح قهر و سرکوب تلاش میکند با ترفندهای کهنه شده باز هم مردم را به پای صندوقهای رای گیری بکشاند. این بار محمد خاتمی تنها چهره عوام فریب و غرب پسند رژیم جمهوری اسلامی بجای لجن‌ساز و شعار جامعه مدنی با اشک، گل یاس و شعار یا علی مدد پا به میدان انتخابات گذاشته است.

مضحکه انتخاباتی سال ۸۰ در زمانی بوقوع می‌پیوندد که حتی اکثریت روزنامه‌های متعلق به جناح دولتی نیز توسط دادستانی انقلاب تعطیل گشته و بسیاری از دست اندرکاران مطبوعاتی و همکاران نزدیک جناح خاتمی به‌همراه عده کثیری از عوامل موثر تثبیت نظام از جمله سران نهضت آزادی در زندان بسر می‌برند. خاتمی در مانده و مایوس تر از گذشته تلاش می‌کند با اشک ریختن و التماس و زاری سران رقیب را بر سر عقل آورده و رژیم را از سقوط حتمی برهاند.

کمدی تراژدی انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی صورت می‌گیرد که علیرغم خواهش و تمناهای مکرر طرفداران دوم خرداد حتی یک نماینده رسمی و شناخته شده نیز از طرف خامنه‌ای و طرفدارانش تاکنون معرفی نشده است و علیرغم ماهیت ارتجاعی و وابسته به نظام کلیه کاندیداهای ریاست جمهوری از معروفترین تا ناشناخته‌ترین آنها تنها چند مهره دست دوم و برخی از عوامل مستقیم سرکوب و ترور نظیر فلاحیان و تیمسار پاسدار شمخانی رقیب انتخاباتی جناب خاتمی محسوب میشوند.

نمایش انتخابی سال ۸۰، نمایش اوج ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی است. این نمایش دیگر برای نظام اسلامی هیچگونه شمره‌ای در داخل کشور ندارد و تنها برای جلب نظر دول امپریالیستی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است.

رژیم جمهوری اسلامی با براه انداختن این نمایش مسخره با کمک رسانه‌های امپریالیستی تلاش میکند به افکار عمومی در سطح بین المللی بقبولاند که جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از مردم ایران کسب می‌کند. در این میان کلیه جریاناتی که در خارج از کشور مردم را به شرکت در انتخابات تشویق میکنند عملاً آب به آسیاب رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی و دول غارتگر امپریالیستی میریزند. اما آنها هیچگاه مزد خوشخدمتی خویش را دریافت نخواهند کرد. رژیم جمهوری اسلامی ورشکسته‌تر و رو به اضمحلالتر از آنست که بتواند با این ترفندها به حیات خود ادامه دهد. و بزودی با اوج گرفتن انقلاب کارگران و رنجبران تحت ستم ایران به گورستان تاریخ رهسپار خواهد شد.

ما با دعوت از تمامی ایرانیان آزادیخواه و دموکرات و همچنین کلیه نیروهای چپ و انقلابی می‌خواهیم با شرکت در آکسیون افشاءگرانه و اعتراضی ۷ ژوئن فریاد حق طلبانه مردم ایران را به گوش مردم سوئد برسانند.

### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

### زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

فعالین هسته اقلیت واحد سوئد

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران واحد سوئد

سازمان فدائیان اقلیت، سوئد

حزب کار ایران (توفان) واحد سوئد

زمان پنجشنبه ۷ ژوئن، ساعت ۵ بعد از ظهر، مکان میدان سرگل

به "توفان" کمک مالی کنید!

## تهدید و شمشیر اسلامی ما را از مبارزه برحقمان باز نخواهد داشت

شده‌ها ندارد.

۲- به لطف حضرت خیرالماکرین، مکر و کید شما بوک مغزها و مغز نخودی‌ها، به خودتان باز خواهد گشت و بار دیگر مانند دگر بارها (۲۲ سال) رسوای زمانه نام خواهید گرفت.

۳- روز ۱۸ خرداد، روز اقتدار ملت ایران، روز "نه" گفتن به احزاب و سازمانهای لائیک و کمونیست، روز "نه" گفتن به تمامی گروههای معاند، ارادل و اوباش خارج نشین، روز "آری" گفتن به نظام برای نابودی کامل شما معاندین و دشمنان ملت میباشد. هر رای تیری خواهد شد که به قلب سیاه و تیره شما دیو صفتان خواهد نشست.

منتظر بمانید...

مدتی بعد اطلاعیه دیگری صادر کردند که به مضمون زیر بود:

### اطلاعیه: منتقم ۲

### پیرامون انتخابات

### بنام خدا و با ید او

صورت بر دیوار میکوبید چرا که ناکامید، قلم بر دست میگنید اما لرزانید، قدم در راهی نموده‌اید که آمرین ایستگاه شما نیستگاه است. لرزانید از آن که بار دیگر مشت آهنین ملت ایران که نشان از پایداری و استقامت زنان و مردان دلیر این سرزمین دارد بار دیگر دهانهای باوه گویتان را جاکن نماید و این بار نیز مانند سنوات قبل از روی حشمت سرهایتان را مانند کیک بزیر خاک سیاه عزلت نموده و از شدت شرم، اشک تمساح ریزید، و از روی خشم موهای خویش را پریشان نمائید.

آری تیک تاک ساعت نشان از نزدیک شدن پیروزی می‌دهد که میرود بار دیگر، پیروزی و اقتداری دیگر برای ملت مبارز، مسلمان و ثابت قدم ایران رقم خورد و شکستی دیگر برای معاندین (کمونیستها، لائیکها، فدائیان خلق، منافقین و تمامی گروههای پوچگرا...).

هر رای در ۱۸ خرداد تیری است از جانب ملت بر سینه پر از کینه و نفرت شما اشقیا.

منتظر بمانید...

همین مشت نمونه خروار حاکی است که دشمنان مردم ایران نه زبان فارسی بلدند و نه تحجر مغزی اجازه می‌دهد قضاوت درستی در مورد بیست و سه سال جنایات رژیم جمهوری اسلامی که از سیاهترین دوران تاریخ ایران است داشته باشند. نامه‌های بزدلانه و تهدید آمیز آنان بهترین گواه این مدعاست. بیچاره عنصری که فکر کند ظلم در جهان پایدار می‌ماند و جهل سیاه ۱۴۰۰ ساله میتواند در قبال پیشرفت مستمر دانش بشری مقاومت کند.

\*\*\*\*\*

باری، نامه‌هایی از قبیل دو "پیامی" که از سوی shahed\_rah@yahoo.com (یا شاهد منتقم) به نشانی الکترونیک ما رسیده است، نه تنها ما را از ادامه راه باز نمی‌دارد، بلکه عزم و اراده ما را محکمتر از قبل میکند تا نمایش مسخره انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی را افشا کرده و فریادمان را چنان بلند کنیم که ارادل و اوباش اسلامی در هر کجا که هستند آن را بشنوند.

بار دیگر همه هم‌میهنان مبارز و آزادیخواه را به تجمع روز جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ (۸ ژوئن ۲۰۰۱) از ساعت ۱۴ در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاریس فراموشی خوانیم.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

کمیته برگزاری تظاهرات (روز "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران) متشکل از:

جمعی از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم فرانسه.

کمیته سنگار.

کمیته فرانسوی-ایرانی ضد اختناق.

حزب کار ایران (توفان)- واحد فرانسه.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)- فرانسه.

۲۰۰۱/۶/۶

پست الکترونیکی برای تماس با کمیته برگزاری: comite8juni@yahoo.fr

حال به نامه‌ای تهدیدآمیز هواداران خاتمی توجه کنید.

### اطلاعیه: منتقم ۱

### پیرامون انتخابات

### بنام خدا و با ید او

ای آستین بر چهرگان روزگار، ای لشگریان ابرهه که بقصد مبارزه با دین خدا برخاستید آیا از یاد برده‌اید ضربات ابابیل زمان را که بر سرهای پوکتان کوفته شد؟ آری، با شما هستم، با شماست که فراخوان به گردهمایی... داده‌اید.

به نکات زیر توجه فرمائید تا دیگر اضعاف احلام نبینید:

۱- در فراخوان بی‌ارزش شما بیان شده است که صدای خلقها و ملیتهای محروم و صدای عموم مردم ایران را به گوش جهانیان برسانیم و... افشاء کنیم.

اولا ملت ایران دارای زبانی صریح و گویا میباشد و در طی ۲۲ سال گذشت از نظام مقدس جمهوری اسلامی فریاد مبارزه با استکبار، استثمار و استبداد سر داده است که پرده درازگوشانی همچون آمریکا، اسرائیل و گروههای ریزه‌خواری چون شما (که حتی نخودی نیز حساب نمی‌شوید) را به لرزه در آورده است. پس، ملت شریف ایران هیچگاه نیاز به وکیلانی چون شما ساقط

در فرانسه حزب کار ایران اقدامات افشاگرانه زیادی علیه رژیم جمهوری اسلامی انجام داد. رفقای ما مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران به آکسیون مشترکی بر ضد رژیم همراه با سازمانهای مترقی دیگر دست زدند. آنها در اقدامات افشاگرانه خود رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را بشدت افشا کردند بطوری که عمال جنایتکار آنها در خارج از کشور از کوره بدر رفته و رفقای ما را تهدید به قتل نمودند. در زیر ما اعلامیه نیروهای مترقی را که علیه جاسوسان وزارت اطلاعات صادر کرده‌اند تا همه ببینند که در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی نیز تهدید به قتل یکی از ارکان سیاست رژیم جمهوری اسلامی است به چاپ میرسانیم. این عصبانیت هیستریک جاسوسان وزارت اطلاعات که فکر می‌کردند حزب کار ایران و سایر نیروهای انقلابی از قماش توده‌های-اکثریتی هستند حاکی از آن است که فعالیت رفقای ما و سایر نیروهای انقلابی در فرانسه آبروی رژیم را پاک بر باد داده و تیر ما به هدف نشسته و عجز و لایه تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی را به هوا برده است. رفقای ما نوشته‌اند:

"هم میهنان مبارز، آزادیخواهان.

چند روز پیش به همت چند نیروی سیاسی ایرانی آزادیخواه، دمکرات و کمونیست فراخوانی برای تجمع در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در پاریس صادر شد. در این اطلاعیه یک نشانی الکترونیکی برای تماس اعلام شده بود. در چند روز گذشته سوای چند پیام همبستگی و پشتیبانی دو پیام تهدید آمیز نیز دریافت شد. ما به پیوست، این دو پیام را منتشر می‌کنیم. این دو نامه در واقع عصاره‌ای است از بیست و سه سال زبان، فرهنگ و سیاست اسلامی که در ایران بر مخالفان رژیم اعمال می‌شود. این دو نامه در واقع سندی است علیه گروه‌ها، احزاب و سازمانهایی که مردم ایران را به شرکت در مضحکه‌ای به نام "انتخابات ریاست جمهوری" دعوت کرده‌اند. این بار علاوه بر دو جناح اصلی رژیم جمهوری اسلامی، گروه‌های خارج آن از قبیل حزب توده و دنباله‌های قدیم و جدیدش و نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها در یک جبهه متحد شده‌اند و مردم ایران را به شرکت در این مضحکه فراخوانده‌اند تا مردم ایران بار دیگر بین بد و بدتر یکی را "برگزینند" و در بر همان پاشنه بچرخد! کیست که نداند در ایران مردم حق رای دارند اما حق انتخاب ندارند. حق انتخاب در ایران متعلق به ولی فقیه و نمایندگان او در شورای نگهبان است تا در ابتداء چند تن از سرسپرده‌ترین‌ها را دست چین کرده و سپس از مردم بخواهند که آنان را تأیید نمایند.

## همت بکن! یاری رسان توفان را!



## امپریالیسم بی آزار

پس از فروپاشی امپراتوری سوسیال امپریالیسم شوروی که عامل بزرگی در سد راه انقلابات جهانی بود این نظریه سازشکارانه پا گرفته بود که امپریالیسم و سرمایه داری موجودات بی آزاری هستند که توحش آنها تا کنون ناشی از حضور اردوگاه سوسیالیسم و بعدها تولد سوسیال امپریالیسم شوروی در جهان بوده است. آنها می گفتند که با پایان جنگ سرد و دنیای دو قطبی همه چیز بر وفق مراد آنها می گردد و به ارتش و تلیجات و شکنجه و اعدام و نظایر آنها نیاز نیست. حتی عده ای از شعار حفظ استقلال ملی دست کشیده بودند زیرا به نظر آنها خطری در جهان برای تمامیت ارضی کشورها وجود نداشت. البته حمله ناتو و در رأسش آمریکا به عراق و سپس تجزیه یوگسلاوی و زمزمه های تجزیه ایران و چین و سرکوبی نهضت های آزادی بخش در جهان چشمان برخی را گشود که با وجود امپریالیسم از صلح دائمی در جهان نمیتوان سخن گفت. پس از جنگ جهانی دوم که دول متفق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پوزه فاشیسم را به خاک مالیدند این نظریه اپورتونیستی در حزب کمونیست آمریکا نیز جا واکرده بود که گویا دوران همزیستی مسالمت آمیز سوسیالیسم و سرمایه داری فرا رسیده است و خردمندان جهان سرمایه داری فهمیده اند که از جنگ نصیبی نخواهند برد. امروز باید همه این ادامه در صفحه ۷

به علت ترکم مطالب، ادامه سلسله مقالات تحریف کنندگان تاریخ از شماره آینده توفان به نظر خوانندگان گرامی می رسد.

## گزارش کمونیستهای اکوادور

گاز دو برابر-افزایش صد در صد- شوند، قیمت استفاده از وسایل نقلیه ۷۵ در صد افزایش یابد. طرح قانونی برای خصوصی سازی بیمه های اجتماعی، نرخ ارزش افزوده بر کالاها را از ۱۲ به ۱۵ بالا برده است. مالیاتهای مستغلاتی، تا قریب ۹۰۰ در صد افزایش یافته است. از قضا اجرای همین سناریو بود که مقدمات بسیج ماههای ژانویه و فوریه سال ۲۰۰۱ میلادی را فراهم کرد.

پ- در باره خیزش ژانویه و فوریه سال ۲۰۰۱: فقط حزب ما بود (PCMILE) که مردم را به مبارزه دعوت کرد. سایرین، همگی طالب مذاکره با دولت بودند. حال آنکه حزب ما و با توسل به نیروهای خود، سیاست اتحاد با جبهه میهن دوستان را در پیش گرفت و بینوایان بومی را بر آن داشت تا باین جبهه بپیوندند. خیزش از محصلان و دانشگاهیان آغاز و به بسیج عمومی منجر گردید. بهمین خاطر بود که بورژوازی، از قضا ما را مورد شماتت قرار داد زیرا که این ما بودیم که در بیمه های اجتماعی - در بخش مربوط به دهقانان - اعتصاب موفقی را براه انداختیم، رشد مبارزه مطالباتی در مناطق مختلف اکوادور را باعث شدیم. کاری کردیم تا توده روستائیان در دهات کوچک به جنبش طبقه کارگر پیوند خورده و از این طریق موفق شدیم تا جلوی فشار متمرکز به مردم را گرفته و نیروهای حریف را تجزیه و تضعیف نماییم. البته بورژوازی کوشش زیادی کرد تا بینوایان بومی را از جنبش جدا کرده و آنان را از حزب دور نگهدارد. معذالک حزب توانست با دعوت مردم بیک اعتصاب عمومی برای هفتم فوریه، جنبش را رادیکالیزه نماید. گو اینکه میدانستیم که نمیتوان از این طریق جلوی تدابیر اتخاذ شده را گرفت و یا دولت را ساقط کرد. چون هر مبارزه ای، ادامه در صفحه ۷

گزارشی را که مطالعه می کنید برای آشنائی رفقا و خوانندگان توفان با مبارزات طبقه کارگر و کمونیستهای سایر ممالک دارای اهمیت فراوان است. مشکلات و مسایل در سراسر کره ارض یکسان و روش حل آنها ماهیتاً مشابه است. این مبارزات نشان می دهد که شعله های سوزان انقلاب در همه جا سر بر میکشد و امپریالیسم و ارتجاع قادر نیستند این شعله ها را خاموش کنند.

گزارش نماینده حزب کمونیست اکوادور م- ل در مورد اوضاع سیاسی-اقتصادی اکوادور در نشست احزاب برادر الف- در باره اوضاع و احوال عمومی اکوادور هم اکنون در یک بحران شدید اقتصادی بسر میرود. قریب هشتاد درصد مردم این کشور فقیر و از این تعداد قریب چهل در صد در تیره بختی زندگی می کنند. بعلاوه، تزریق دلار به اقتصاد اکوادور- دلارزاسیون- بر شدت فقر افزوده است. دستگاه تولیدی کشور مختل و بدهی خارجی سیری صعودی می پیماید. هم اکنون ما شاهد یک بحران سیاسی در میان احزاب راست، در کنگره، در دیوان عالی قضائی.... هستیم. بدگمانی فزاینده ای وجود دارد مبنی بر اینکه نیروهای مسلح قصد دارند "برنامه" کلمبیا را در اکوادور به اجراء بگذارند. در اینجا ۳ کشور هستند که حلقه زنجیر نظام امپریالیستی را تشکیل میدهند. این سه کشور عبارتند از: کلمبیا، اکوادور، ونزوئلا. ولی در این میان، اکوادور از همه ضعیف تر است. رهبری جنبش بینوایان بومی در کشور ما، اعتباری نداشته و بورژوازی هم از نهادهای خودی دفاع میکند.

ب- در باره تدبیرهای اقتصادی دسامبر سال ۲۰۰۰ میلادی: این تدبیرهای اقتصادی باعث شدند تا قیمت بنزین و

سایت توفان در شبکه اینترنت: [www.toufan.de](http://www.toufan.de) نشانی پست الکترونیکی: [toufan@toufan.de](mailto:toufan@toufan.de)

نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست-لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه «حزب کار ایران»، حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود بایرجاییم و به این مساعدتها، هر چند هم که جزئی باشد نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، زیرا مخارج گزاف پست ممانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

تعداد حساب بانکی TOUFAN POSTBANK Hamburg BLZ. 20110022 KONTO NR. 2573302600 GERMANY شماره دورنگار (فکس) آلمان ۰۶۹/۹۶۵۸۰۳۳۶ آدرس TOUFAN POSTFACH 103825 60108 FRANKFURT GERMANY

## پیروز باد حزب طبقه کارگر ایران